



## The Coronavirus as “Minor Death”

**Mahmoud Navali**

*Professor of philosophy-University of Tabriz-Iran*

[Navali@Tabrizu.ac.ir](mailto:Navali@Tabrizu.ac.ir)

### Abstract

In this short article, we tried to show that today the coronavirus as tangible and as concrete, but in a weak and limited ratio, it makes us understand what death is. It has taken away our ability to leave the house; It has also largely deprived us of the opportunity to work and serve in the community. We cannot travel, we cannot go freely and expeditiously to the mountains, to the parks, to the mosques, to the cinemas..., we can not even go out with our relatives and go out with a fearless heart. Let's go home and do our essential shopping. We are also deprived of participating in friends' circles. I call this depriving and informing role of the coronavirus " **minor death** " because it has robbed us of an important part of our possibilities. The Corona reminds us to critique existing values, reconsider our attitudes, and go beyond good and evil. Let us not be petrified in our standards about the correctness of our judgments and about good and evil, beautiful and ugly, and find new perspectives.

**Keywords:** Corona, minor death, life, possibilities.



مجله علمی پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز  
سال ۱۴ / شماره ۳۱ / تابستان ۱۳۹۹

## کرونا ویروس به مثابه «موت اصغر»

محمود نوالی

استاد فلسفه دانشگاه تبریز. ایران. تبریز

[Navali@Tabrizu.ac.ir](mailto:Navali@Tabrizu.ac.ir)

### چکیده

در این مقاله کوتاه سعی کردیم نشان دهیم که امروز ویروس کرونا به صورت ملموس و انضمامی ولی در نسبتی ضعیف و محدود به ما می‌فهماند که مرگ چیست. او امکان بیرون رفتن از خانه را از دست ما گرفته است؛ همچنین امکان کار و خدمت کردن در اجتماع را نیز تا حد بسیار زیادی از ما سلب نموده است. ما نمی‌توانیم به مسافرت برویم، آزادانه و بالصرافه قادر نیستیم به کوهها، به بوستان‌ها، به مساجد، به سینماها... برویم، حتی نمی‌توانیم با خویشاوندان رفت و آمد داشته باشیم و با دلی خالی از دلهره به خارج از خانه برویم و خریدهای ضروری خود را انجام دهیم. از شرکت در محافل دوستان نیز محروم مانده‌ایم. من این نقش محروم‌کننده و آگاهی‌دهنده کرونا را «موت اصغر» می‌نامم زیرا قسمت مهمی از امکانات ما را روده است. باری کرونا به ما یادآوری می‌کند که ارزش‌های موجود را مورد نقد قرار دهیم، در نگرش‌های خود تجدیدنظر کنیم و به فراسوی نیک و بد برویم. در معیارهای خود در باب صحت و سقم احکام خود و در باب خیر و شر، زیبا و زشت متحجر نشویم و دیدگاه‌های تازه بیابیم.

کلیدواژه‌ها: کرونا، موت اصغر، مرگ، امکانات

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲

ویروس کرونا (coronavirus) که Covid 19 نیز نام نهاده‌اند حوادثی را سبب شده است که ما را بیشتر به غیر قابل پیش‌بینی بودن آینده خودمان متوجه می‌سازد و احتمال وقوع تحولات عجیب و ناشناخته ولی ممکن را به ما گوشزد می‌نماید. ویروس کرونا ضرورت دگرگشت در نگرش‌ها و اعتقادات‌مان را نیز به ما پیشنهاد می‌کند. این ویروس سبب شده تا ما بعضی از نگرش‌های عادی قبلی را مورد تردید قرار دهیم. او ناتوانی و ناکافی بودن آنها را در حالت‌های تازه پیش آمده نمایان ساخته است. از جمله روش‌های معالجه و انتظار شفا از بعضی مکان‌ها و امید دریافت چاره از بعضی افراد را دگرگون ساخته و روش‌های تازه را بر روش‌های متداول جایگزین ساخته است. او امکان‌های قبلی را نقادی و نفی کرده است. این ویروس ما را مجبور می‌سازد امکان‌های تازه را جستجو و کشف کنیم. روش‌های گذشته را نه به عنوان معیار فعالیت‌های امروز، بلکه به عنوان عدم تکرار احوال گذشته در نظر آوریم تا آنها را تکرار نکنیم و برای حل مسائل تازه پیش آمده، راه‌حل‌های تازه بیابیم و به معیارهای صدق و کذب، خیر و شر و زیبا و زشت معانی تازه بدهیم تا خود را در برابر این مسائل و غیرقابل پیش‌بینی بودن آنها به صورت انعطاف‌پذیر مجهز سازیم. به نظر می‌رسد که پیوند تغییرناپذیر با گذشته و تأکید عاشقانه بر آن نوعی رحمت‌طلبی و احتراز از برخورد مسئولانه با جریان موج زندگی را ایجاب می‌کند که با معیارها و وسایل جدید آمیخته شده است.

انعطاف‌پذیربودن در برابر وضع پیش آمده قبول روش‌های نو را برای حل مسائل ضروری می‌سازد. پس لازم می‌آید وقایع تازه را در قالب‌های کهن نگنجانیم و راه‌حل‌های قدیمی را بر مشکلات تازه تحمیل ننماییم. اصولاً در این مقام نباید با ترسیم ایده‌آلی و نظری راه‌حل‌ها، روش‌های عملی و تحقیقی را فراموش کنیم، بلکه باید از آنچه می‌دانیم و از آنچه تا به حال به دست آورده‌ایم بیرون رویم، یعنی فکر کنیم و از آنچه داریم مطالبی تازه بیرون بکشیم و به دستورالعمل‌هایی که تا بحال عمل نمی‌کردیم با قدرت ایجاد تصورات و تصدیقات و استنباط‌های تازه، آنها را متحقق سازیم.

برای دگرگونی و خلاص شدن از روش‌های غیرمنتج باید با رضایت باطنی قبول کنیم که انسان دچار خطا و اشتباه می‌شود. بنابراین انتقادپذیری و تجدیدنظر در آنچه هستیم لازم می‌آید. بدین ترتیب، در وضع حاضر اگر بخواهیم دگرگونی را از شخص خود آغاز کنیم باید امکانات موجود و مخفی در بطن شرایط فعلی را جستجو و کشف کنیم. در این صورت شایسته نیست افکار خود را با دید پیش ساخته توأم با نومیدی مشوش و مجبوس سازیم.

عدم توجه به انتقادپذیری نشان می‌دهد که ما در تاجر گرفتار شده‌ایم و نمی‌توانیم از آنچه هست فراتر رویم، این حالت دال بر این پیش فرض است که راه‌های دیگری قابل قبول نیستند.

همچنین انتقادناپذیری بر این آرزو مبتنی است که ای کاش! نظر من بی‌عیب بوده و قابل انتقاد نباشد و بالاخره کسانی که از انتقاد خوششان نمی‌آید ناآگاه از سیر به سوی پختگی و کمال خود را محروم می‌سازند. در صورتی که بهترین نظر در حالت امکانی بودن حوادث جهانی در پیدا کردن نظرگاه‌های تازه است. پس انتقادناپذیری مخفیانه از عالم امکان گریختن است. شاید اشاره به پیشنهاد زیر در دیوان شمس مولانا ما را با پشتوانه تاریخی امکان نیز مستهضر سازد:

دل‌ازین تنگ زندان داری به میدان ها      مگر نخته ست پای تو تو نداری نداری پا  
چه روزی هست پنهانی جز من روزی که می‌جویی      چه نان با نخته اندای جان برون از صنعت نانا  
تو دیده فروبندی و بگویی روز روشن کو؟      زند خورشید بر پشت که اینک من تو در بکشا

(غزل ۵۴ دیوان شمس)

امروزه تلقین سودمندی انتقادپذیری را ویروس کرونا برعهده گرفته است. او با همه زیان‌ها و بلاهایی که با خود آورده، این حسن را هم دارد که به ما می‌فهماند امکان‌های زیادی از دست ما رفته است که ما بر طبق عادت و ناآگاهانه با آن برخورد و متوجه ارزش آنها نبودیم. کرونا نسبتی نزدیک با مرگ دارد. زیرا یاد مرگ نیز از بین رفتن تمام امکانات ما را به ما یادآوری می‌کند و به ما تذکر می‌دهد که تا زنده هستید از بقیه امکانات خود استفاده کنید. پس از مرگ هیچ اختیاری و امکانی برای ما باقی نخواهد ماند، حتی ما سایه‌ای هم نخواهیم داشت. به عبارت دیگر، ما فقط قبل از وقوع مرگ می‌توانیم امکانات مختلف را کشف یا خلق نماییم. مرگ پایان کار است.

تنه و آگاهی که مرگ به ما می‌دهد همانست که امروز که مرگ به ما می‌دهد همانست که امروز ویروس کرونا به صورت ملموس و انضمامی ولی در نسبتی ضعیف و محدود به ما می‌فهماند که مرگ چیست. او امکان بیرون رفتن از خانه را از دست ما گرفته است؛ همچنین امکان کار و خدمت کردن در اجتماع را نیز تا حد بسیار زیادی از ما سلب نموده است. ما نمی‌توانیم به مسافرت برویم، آزادانه و بالصرافه قادر نیستیم به کوهها، به بوستان‌ها، به مساجد، به سینماها... برویم، حتی نمی‌توانیم با خویشاوندان رفت و آمد داشته باشیم و با دلی خالی از دلهره به خارج از خانه برویم و خریدهای ضروری خود را انجام دهیم. از شرکت در محافل دوستان نیز محروم مانده‌ایم.

من این نقش محروم‌کننده و آگاهی‌دهنده کرونا را «موت اصغر» می‌نامم زیرا قسمت مهمی از امکانات ما را ربوده است. اکنون آن امتیازات و امکاناتی که از ما سلب شده، به صورت کمال مطلوب و آرزوهایی در خیال و رویاهای ما جلوه‌گری می‌کنند، ما عاجزانه به دارا شدن مجدد آنها در انتظار نشسته‌ایم و از جان و دل برای به دست آوردن دوباره آنها چاره‌جویی و جانفشانی می‌کنیم. این تنبه را ویروس کرونا به ما آورده است.

کرونا لااقل برای اینجانب و امثال من این پیام را نیز به گوش جان زمزمه می‌کند که شما در زندگی روزمره خودتان از اکثر نعمت‌ها و امتیازاتی که داشتید غافل بوده‌اید. از این پس مواظب باشید تا از امکانات و نعمت‌های پنهان و ناپنهان غفلت نورزید. البته آگاهی‌های نظری به تنهایی دردهای ما را درمان نمی‌کنند. سازمان تعلیم و تربیت کشوری و توبه فرمایان زبانی نیز باید در مقام عمل برآیند و با روش‌های منتج و فراهم آوردن مقدمات لازم به تغییر دیدگاه‌های ما اقدام نمایند تا ما بتوانیم از سیطره استدلال‌ها و اندرزهای خالی از عمل نجات یابیم.

اکنون ما در حصار محافظت خودمان از حمله ویروس کرونا در بند افتاده‌ایم. بهتر است دوباره مثل روزگار از دست رفته در خواب غفلت و بی‌دقتی و در بند تحجر باقی نمانیم، قدر نعمت‌هایی را که اکنون در اختیار ما باقی مانده اند بدانیم. مانند امکان در خانه ماندن، مطالعه کردن، گوش دادن به رادیو، تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت، لذت بردن از بازیهای گوشی موبایل، لذت بردن از مطالعه و گفتگو با دوستان و عزیزان، استفاده‌های گوناگون از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، محظوظ شدن از عالم شیرین و خیال‌انگیز موسیقی و رویا و بالاخره انجام ورزش ... فراموش نکنیم. آگاه باشیم که هرکدام از این نعمت‌ها نیز اگر از ما سلب شود مانند آن امتیازاتی که فعلاً از آنها محروم مانده‌ایم، همچون آرزوها و ایده‌آل‌های دلچسب و دوست داشتنی جلوه‌گری خواهد کرد، خوشبختانه حالا آنها را داریم.

بدون اینکه از تلاش برای نیل به مراتب بالاتر غفلت نماییم، باید از وضع فعلی خود به خاطر داشتن نعمت‌های یاد شده بهره‌مند شویم. این نکته را بزرگانی چون نظامی و حافظ یادآوری کرده و تذکر داده‌اند. حکیم نظامی می‌فرماید:

عالم عالم آفرینش  
به زین توان رقم کشیدن  
رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

البته بدون کمال مطلوب و بدون هدف بودن بی‌تردید فراموش کردن هستی و مقام خاص انسانی است. در عین حال غفلت از آنچه در اختیار داریم و می‌توانیم از آنها بهره‌مند شویم نیز

فراموش کردن مرگ است، مرگی که دایما به ما نهیب می‌زند «از امکانات خودتان استفاده کنید.»  
 کرونا هم به عنوان «موت اصغر» همان ندا را به ما می‌دهد تا مصداق شعر بابا طاهر نباشیم و  
 غافل تیر نخوریم:

جره بازی بدم رفتم به نخبیر      سبک دستی بزدربال من تیر  
 بروغافل محمد کو سارارن      هران غافل چردوغافل خورد تیر

کرونا به گردنکشان و ستمگران نیز تذکر می‌دهد که آزادی و امکانات مهم را ملعبه نفس اماره  
 خود قرار ندهند، عنقریب مرگ فرا می‌رسد و به ظلم و ستم آنها پایان می‌بخشد.  
 باری کرونا به ما یادآوری می‌کند که ارزش‌های موجود را مورد نقد قرار دهیم، در نگرش‌های  
 خود تجدیدنظر کنیم و به فراسوی نیک و بد برویم. در معیارهای خود در باب صحت و سقم احکام  
 خود و دریاب خیر و شر، زیبا و زشت متحجر نشویم و دیدگاه‌های تازه بیابیم.

#### References

- 0 Baba Taher (1997) *Babataber, s Poems*, edited by Vahid Dastgerdi, Tehran: Egbal Nashr. (in Persian)
- 0 Mulavi Romi (1988) *Divan-e- Shams*, edited by Badie Zaman Frozanfar, Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی